

قرآن و ترجمه‌های منظوم

جستاری در کاستی‌های ترجمان آهنگین
نوشته: محمدعلی ملکیان

وَلَا تُقَالُ لِلَّهِ
الْإِلَهَ وَاللَّهُ
لَكُلِّ مَعْنَى

چکیده
ترجمه‌ها، تکااسته‌هایی برای تبدلات فرهنگی است. در این میان، ترجمه‌ی قرآن به عنوان بیان فرهنگ الهی - به زبانهای دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سالیان اخیر، چندین ترجمه‌ی منظوم (ترجمه بدیعی) از قرآن چاپ و منتشر شده است که گویا مورد توجه و لقبال نیز قرار گرفته است. با همه‌ی محاسنی که می‌توان برای این ترجمه‌ها تصور کرد، از اشکالات آنها همانند تکرار قالب شعری، تکرار وزن در سراسر متن، محدودیت واژه‌پذیری و چند معنایی واژگان، نباید چشم پوشید.

کلید واژگان
ترجمه، قرآن، شعر (نظم).

ترجمه در لغت به معنی گزارش کردن، گزاردن، تعبیر، تفسیر، شرح احوال و اخلاق و سیرت اشخاص؛ از ریشه ترجمان، معرب ترزبان به معنی شیرین سخن و در اصطلاح زبان‌شناسی، گردانیدن پیامی از یک زبان (زبان مبدأ) به زبان دیگر (زبان مقصد) است؛ البته پیشینه‌ی واژه‌ی ترجمان، کهن‌تر از آن است که بتوان آن را معرب ترزبان در فارسی دری دانست.^۱

برای ترجمه‌ی خوب و پسندیده دو ویژگی عمده می‌توان برشمرد:

۱ کاملاً به متن اصلی وفادار باشد؛

۲ متن اصلی را دقیقاً باز آفرینی کند

ترجمه را در اصطلاح علم بدیع، به گونه‌ای دیگر تعریف نموده‌اند ترجمه در اصطلاح بدیع، آن است که شاعر بیتی یا سخنی را از زبان دیگر به شعر فارسی در آورد.^۲

در قدیم به علت اینکه جامعه‌ی فرهنگی ایران تنها با فرهنگ عربی و تا حدودی ترکی نزدیک بوده است، تقریباً تمامی ترجمه‌های صورت گرفته از این زبانها (و اغلب عربی) بوده است؛ مانند این روایت از امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «قیمة کل امریء ما یحسبه» که رشیدالدین و طواط آن را چنین ترجمه کرده است:

قیمت تو در آن قدر علم است

که تن خود بنان بیاری

خلق در قیمتت بیفزایند

چون تو در علم خود بیفزایی^۳

و در موارد محدودی نیز، ابیات فارسی به عربی برگردانده شده است؛ مانند این دو بیت ناصر خسرو:

کردم بسی ملامت مر دهر خویش را

بر فعل بد ولیک ملامت نداشت سود

دارد زمانه تنگ دل من ز دانشش

خرم دلا که دانشش اندر میان نبود

که ترجمه‌ی و طواط از آن چنین است:

عَدَلتَ زَمَانی مَدَتَه فِی فِعَالِه

وَ لَکِن زَمَانی لَیسِ پَرِدَعَه العَدَل

یَضِیق صَدْرِی الدَهر بَعْضاً لِفَضْلِه

فَطَووبی لَصِدْرِ لَیسِ فِی ضَمْنِه فَضْل^۴

با این حال سخن در این مقال درباره‌ی ترجمه‌های منظوم (ترجمه بدیعی) قرآن کریم است.

قرآن مجید از زمان نزول تا امروز، رسوخ بسیاری در ذهن و زبان و زندگی مسلمانان داشته است. مسلمانان ادیب و سخندان در بسیاری از موقعیت‌های مناسب به نحوی از انحاء از قرآن استفاده کرده و به آیات کریمه آن استشهاد و تمثیل جسته‌اند

درباره‌ی ترجمه‌ی قرآن که نشانگر قبال غیر عرب زبانان به این کتاب الهی است، باید بگوییم ترجمه قرآن، تاریخی به دیرینگی تاریخ قرآن دارد و از دوره‌ی نزول وحی و عصر حیات حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله مطرح بوده است؛ چه اینکه معروف است سلمان فارسی «بسم الله الرحمن الرحیم» و سوره‌ی فاتحه را به فارسی ترجمه کرده بوده است.^۵

با وجود آن، مهم‌ترین ویژگی این ترجمه‌ها، امانت‌داری کامل در آن‌هاست. شاید این امانت‌داری وسوس‌گونه، بیشتر برخاسته از این بوده که مترجمان مسلمان می‌پنداشته‌اند که باید هنگام ترجمه عین کلام خداوند را بی‌کم و کاست منتقل کنند و اگر در این کار کوتاهی ورزند مرتکب گناه نابخشودنی خواهند شد.

نخستین ترجمه‌ی باقی مانده از قرآن به فارسی دری «قرآن قدس» نام دارد که در نخستین سال‌های سده‌ی چهارم هجری به فارسی دری برگردانده شده است. این ترجمه، تحت‌اللفظی است و آغاز و انجام آن اندکی افتادگی دارد؛ اما با توجه به ویژگی‌های سبک‌شناسی و زبان‌شناسی، همه‌ی اهل فن پذیرفته‌اند که زمان کتابت این ترجمه، میان سال‌های ۲۵۰ تا ۳۵۰ ه. ق است. این قرآن به کوشش علی رواقی در دو مجلد چاپ و منتشر شده است.^۶

بیشتر ترجمه‌های موجود از قرآن ترجمه‌ی منتور است. امروزه نیز بیشتر ترجمه‌هایی که حول این کلام الهی چه کلی چه جزئی به نگارش در آمده، ترجمه‌های منتور است؛ با این حال ترجمه‌های منظوم نیز از قرآن کریم وجود دارد؛ ترجمه‌هایی است که تمامی کلام وحی را به صورت شعر پارسی بیان نموده‌اند.

در سالیان اخیر چندین ترجمه‌ی منظوم از کلام ارزشمند الهی به رشته‌ی تحریر در آمده و به جامعه‌ی مذهبی و علمی عرضه شده است. اقبال

عقده‌های اشکالات

برای ترجمه‌ی سوره‌های کوتاه، چندان مورد پسند نیست.

۲- تکرار وزن در سراسر ترجمه

هر شعری بسته به محتوا و حالت عاطفی‌اش، با وزن خاصی مطابقت دارد؛ به عبارت دیگر شاعر از میان اوزان شعری، وزنی را که با محتوا و حالت انفعالی شعرش هماهنگ باشد برمی‌گزیند این انتخاب بیشتر آگاهانه نیست؛ به این صورت که مثلاً ابتدا شاعر محتوای شعرش را در نثار بگیرد و سپس وزنی را که با آن متناسب است، انتخاب کند؛ بلکه محتوای شعر با وزنش به شاعر الهام می‌شود؛ البته در مورد داستان‌سرایی و موضوع‌پردازی، شاعر وزن را متناسب با مضمون انتخاب می‌کند؛ به هر حال محتوا و موضوع هر شعری با وزنی خاص سازگار است. خواهی نصیر در مورد اینکه در شعر یونان، هر وزنی اختصاص به غرض خاص دارد، چنین می‌گوید: «یونانیان را اغراض محدود بوده است در شعر؛ و هر یکی را وزنی خاص مناسب؛ مثلاً نوعی بوده است مشتمل بر ذکر خیر و اخیار و تخلص به مدح یکی از آن طایفه که آن را طرفودیا [تراژدی] خوانده‌اند و آن بهترین نوع بوده است و آن را وزنی به غایت لذیذ بوده و نوعی دیگر مشتمل بر ذکر شرور و ردایل و هجو کسی...»^۱

با توجه به این مقدمه، به نظر می‌رسد تکرار یک وزن چه متقاربه چه رمل، چه هزج و... در سراسر ترجمه چندان پسندیده نباشد؛ خصوصاً با توجه به اختلاف محتوایی سوره‌ها با یکدیگر و حتی آیات با هم. ناگفته نماند که هر چند وزن و محتوا با هم ارتباط مستقیمی دارند؛ اما در این ارتباط عناصر دیگری همانند نقش زمان و مکان در به کارگیری اوزان نیز دخیل است که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها اجتناب می‌نماییم.

۳- محدودیت بسامد لغات به کار رفته در ترجمه

میزان واژه‌پذیری همه اوزان یکسان نیستند و هستند وزن‌هایی که برخی از واژه‌ها را مطلقاً نمی‌پذیرند؛ برای مثال بی‌هیچ گونه جستجو و پژوهشی با اطمینان می‌توان گفت که در سراسر شاهنامه‌ی فردوسی، بوستان سعدی، خسرو و

جامعه به چنین ترجمه‌هایی، ظهور ترجمه‌های دیگری را از این گونه به ما نوید می‌دهد؛ با این حال این ترجمه‌ها علاوه بر مزایای دیگر ترجمه‌ها دو ویژگی عمده دارند:

۱- آهنگین بودن ترجمه که با آهنگ آیات ارتباط برقرار می‌سازد؛

۲- ماندگاری و فراگیری آسانتر مفاهیم قرآنی، با وجود این، نمی‌توان این ترجمه‌ها را خالی از عیب و اشکال دانست؛ بنابراین نگارنده در این تحریر در بوته نقد به بررسی اشکالات این ترجمه‌ها می‌پردازد.

هر ترجمه با توجه به قابلیت‌های مترجم محاسنی در بردارد و در مقابل، خالی از اشکالاتی نیز نخواهد بود. هر چه متن اصلی از لحاظ ساختار جمله‌ها، به کارگیری کلمات و رعایت نکات و ظرایف ادبی متقن باشد، ترجمه‌ی آن نیز دقت و ظرافت خاصی می‌طلبد و در پی آن، اشکالات نیز بیشتر خواهد بود. حال اگر این متن، کلام سراسر اعجاز الهی باشد، ناگفته اهمیت، مشکلات و اشکالات ترجمه‌ی آن روشن می‌گردد. اشکالات ترجمه‌ها وقتی دو چندان می‌شود که مترجم نیز علاوه بر مشکلات دیگر تنگناهایی را پیش فرض ترجمه خود قرار بدهد. ترجمه‌های منظوم قرآن، نمونه‌ای از این ترجمه‌هاست. در این گفتار بدون نظر داشتن به ترجمه‌ای خاص به بررسی اشکالاتی می‌پردازیم که اختصاص به ترجمه‌های منظوم دارد و از بررسی اشکالاتی که در همه‌ی ترجمه‌های قرآن وجود دارد پرهیز می‌کنیم. مهمترین اشکالات ترجمه‌های منظوم عبارتند از:

۱- تکرار قالب شعری در سراسر ترجمه

در ترجمه‌های منظوم این چنینی، قالب مثنوی در سراسر ترجمه تکرار می‌شود. در نظر اول، این امر به عنوان اشکال جلوه‌گری نمی‌کند؛ ولی اگر نگاهی به سوره‌ی بقره بیندازید و آن را با سوره‌ی توحید مقایسه کنید، این سؤال در ذهن مطرح می‌شود که آیا هر دو در یک قالب قرار می‌گیرند؟ چه اینکه حتی در خود سوره‌ی بقره نیز گاهی ساختار درونی آیات تغییر می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد هر چند ترجمه‌ی سوره‌های بزرگ، در قالب مثنوی نیکوتر است؛ با این حال این قالب

هر ترجمه با توجه به قابلیت‌های مترجم محاسنی در بردارد و در مقابل، خالی از اشکالاتی نیز نخواهد بود. هر چه متن اصلی از لحاظ ساختار جمله‌ها، به کارگیری کلمات و رعایت نکات و ظرایف ادبی متقن باشد، ترجمه‌ی آن نیز دقت و ظرافت خاصی می‌طلبد و در پی آن، اشکالات نیز بیشتر خواهد بود

هر شعری بسته به محتوا و حالت عاطفی‌اش، با وزن خاصی مطابقت دارد؛ به عبارت دیگر شاعر از میان اوزان شعری، وزنی را که با محتوا و حالت انفعالی شعرش هماهنگ باشد، برمی‌گزیند

شیرین نظامی و مثنوی مولوی واژه‌هایی از قبیل آنچه در زیر می‌آید نمی‌تواند به کار رفته باشد

U-U : نرود، نخورد، نبرد، نزند چه کنم، عجله، به سزا، عرفا، پسران، پدرم.

U-U : زبان دراز، سرود خوان، درودگر، دروغگو، درستکار، گریز پا.

U-U-U : سپاسگزار، شریف‌تبار، غریب نواز، نمازگزار.

U-U : چشم نواز، اسب سوار، سنگ تراش، بازگشا، روح نواز، عشوه‌گری، کارشکن.

U-U : پیمان شکنی، نیکومثنی، اصلاح طلب، لشکر شکنی.

U-U : درست کردار، بزرگ زاده، درست پیمان، صلاح بینی.

البته می‌دانیم که اگر امکان استفاده از واژه یا واژه‌هایی را از اهل زبان بگیرند ایشان با توسل به توضیح و تشریح و کنایه و اشاره و حتی اختراع واژه‌های تازه، مقصود خود را بیان می‌کنند این امر مترجم را بسیار دچار پیچ و خم‌های مشکل‌ساز می‌کند؛ از این رو گاه نص در متن، تأویل ترجمه می‌شود.

۴- چند معنایی واژگان

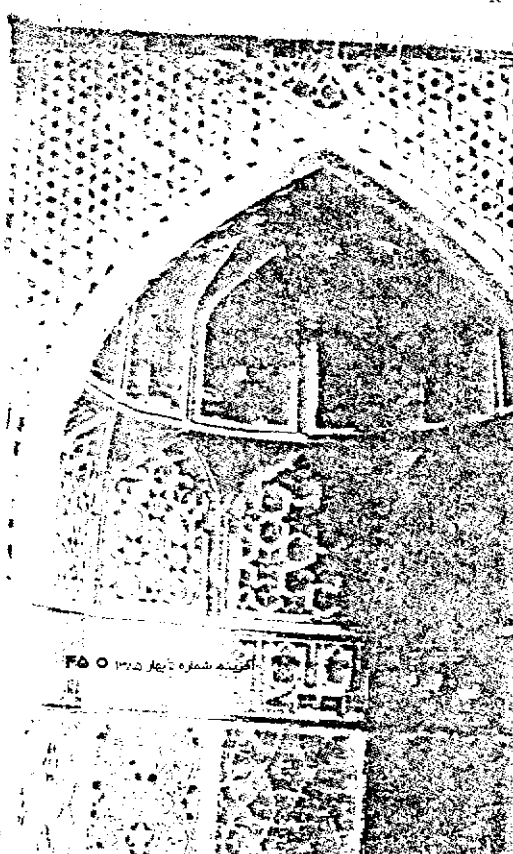
مقید بودن به ساختار نظم، گاه مترجم را بر آن می‌دارد که کلمه‌ای در یک آیه به گونه‌ای متفاوت با همان کلمه در آیه‌ی دیگر معنا شود. پایبند بودن به ساختارهای منظوم، قدرت وفادار بودن به اتحاد معنایی واژگان را از مترجم سلب می‌کند و چاره‌ای نیز جز این ندارد.

پوشیده ماندن نکات بدیعی و محاسن کلام، راه یافتن حشو قبیح به ساختار ترجمه‌ها، عدم رعایت ساختار ترجمه‌ها از لحاظ کوتاهی و بلندی، از دیگر اشکالات ترجمه‌های منظوم است.

با این همه ترجمه‌های منظوم از جمله نگاشته‌های مورد اقبال جامعه است و خدمتی به جامعه قرآنی است؛ از این رو زحمات بی‌دریغ سخنوران این عرصه را نباید نادیده انگاشت.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «معنی لغوی ترجمه»: مجله وحید دوره چهارم، ش ۳-۲، ص ۹۰-۹۰۵. نیز ر. ک به: علی کر: دهخدا؛ لغت‌نامه: ذیل «ترجمن، ترجمه و ترجمه».
- ۲- رضا قلی‌خان هدایت: منارج البلاغه؛ شیراز: معرفت، ج ۲، ۱۳۵۵، ص ۸۵.
- ۳- رشیدالدین روضا؛ مطوب کل عتال من کلام میرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب؛ به سعی و اهتمام و تصحیح سید جلال‌الدین زرموی محبت؛ قم: اسلامی، ص ۵.
- ۴- رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی (روضاط): حقائق لسخر فی ذقایق الشعر؛ به تصحیح عباس اقبال؛ تهران: سنایی و ظهوری، ۱۳۴۲، ص ۶۴.
- ۵- به‌الله‌الدین خرمشاهی؛ قرآن پژوهی؛ تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۳۲، ص ۷۶۹-۸۰۵.
- ۶- فرهنگنامه ادبی فارسی؛ به سرپرستی حسن انوشه؛ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۱، ذیل «ترجمه».
- ۷- ر. ک به: سیدمحمد راستگو؛ تحلی قرآن در شعر و ادب پارسی، بشارت، ش ۱۰، ص ۳۰-۳۵. نیز: همان؛ ش ۱۱، ص ۳۲-۳۶ و همان؛ ش ۱۲، ص ۵۴-۵۸.
- ۸- مهدی اخوان ثالث؛ «نوعی وزن در شعر امروز فارسی»؛ پیام نو، ش ۱۰۰۵، ص ۳۲.
- ۹- محسن حسن طوسی (خواجه نصیرالدین)؛ اساس آفتاب؛ به تصحیح مدرس رضوی؛ تهران: دانشگاه تهران، ج ۵، ۱۳۷۶، ص ۵۹۲.



۱۵۸